

بقلم: دانشمند محترم آقای امیری فیروز کوهی

کتاب قبله

جای تردید نیست که از چندی پیش باینطرف عموم طبقات مردم را توجه مخصوص و محسوسی بمطالعه کتب و استفاده از مطالب مورد تحقیق و استقصای مؤلفین پیدا شده و در هر کس از هر طبقه و دسته این تحریک و تحرک باطنی ظاهر شده است که بعد از فراغ از امور مادی باید ساعتی را هم بخواندن کتابی که بانوع ذوق و مذاق او هم آهنگی و سازگاری دارد به پردازد

و از همینجا است که برخلاف گذشته نزدیکی که همه ما بخاطر داشته و میدیدیم که جز معدودی از کتب عصری آنهم محصور و مقید بمطالب داستانی و افسانه ای مضل مردم و مفسد اخلاق عمومی مورد استقبال و علاقه افراد واقع نمیشد و هرگاه کتابی از نوع کتب علمی و هنری باقسامها تألیف و منتشر میشد آنقدر در قفسه های مملو و انباشته کتابفروشها بر جای میماند تا وقتی از اوقات منظور نظر کسی واقع شود.

امروز بحمدالله هر نوع از انواع کتاب از علمی و فنی گرفته تا مزاحی و فکاهی چندان مورد قبول و پسند عامه واقع گردیده است که تعمیم علوم و معارف و آینده درخشان علمی را در آتیه نزدیکی نوید میدهد....

اما در میان اینهمه کتابها و رساله های روز افزون و توجه کلی همه کس بمطالعه کتاب بخصوص طبقه جوان و تحصیل کرده ما که هم از نظر فنی و معاشی وهم از جهت لوازم زندگانی امروزی بیشتر بعلوم و معارف و حتی آداب و رسوم غربی آشنائی و انس پیدا کرده و رفته رفته در وضعی از بی خبری و انصراف از فنون کمالات اسلامی و احکام دینی قرار گرفته اند و طبعاً و تبعاً انواع مطالعات و تفکرات آنان نیز دائر مدار تحصیلات و اطلاعات خارجی ایشان است باعتقاد من و بلکه باعتقاد هر کس تنها کتب دینی و تجزیه و تحلیل مباحث آنها و تحقیق و تتبع در اصول و فروع و ارائه و

اشاعه حقائق اسلامی است که هم میتواند مسیر این انحرافات اعتقادی را در مسیر حیاتی جوانان ما تغییر داده و آنانرا بشارع حق و صراط مستقیم برساند و هم حجتی قاطع و برهانی کامل در رد شبهات و مغالطات مخالفین واقع گردد.

و هر گاه خدای نخواستہ علمای اعلام و بزرگانیکه بحکم علم و اطلاع و وظیفه پیشوائی و راهنمایی امروز که کلیه موجبات و لوازم در هدایت گمراهان و ارشاد بیخبران فراهم و مزاج اجتماع آماده اصلاح است و مردم گوش بر آواز حرف حساب و چشم بر اه مطالعه کتاب میباشند در انجام این مهم اجتماعی و تکلیف دینی اهمال و مسامحه نمایند و احياناً بیطرفی و بیقیدی نشان دهند زود است که از زوال این فرصت سر انگشت ندامت بدنندان گزیده و وقتی بخود آیند که دیگر بخود آمدن و چاره جستن را فائده ای نباشد

امر تهم امری بمنعرج اللوی فلم یستینوا الرشدا لاضحی الغد

در اینکه اشاعه کتب دینی و نشر حقائق اسلامی نیز در این اوقات بسعی مشکور بسیاری از مصنفین و مترجمین عالیقدر در مسیر ترقی با شقوق دیگر همراه است .
تردید نیست .

لیکن در اینکار لطیفه‌ای دقیق و نکته‌ای باریک نهفته است که باید متاسفانه به ذهول آن از اندیشه رسا و فکر روشن بیشتر مؤلفین محترم اقرار و اضافه کرد که هر چند تحقیق و تتبع در هر یک از فروع و اصول مطالب اسلامی بخصوص که تراوش اندیشه‌ای سلیم و علمی وسیع بوده باشد قابل استفاده و در خور تحسین است .

اما منکر این بدیهی نمیتوان شد که هم نسبت مطالب از حیث درجات اهمیت و مواقع ابراز بایکدیگر متفاوت و هم فراگیرندگان آن مطالب از حیث زمان و مکان و میزان فهم و ادراک و ایمان و اعتقاد از هم متمایز و بلکه باهم متغایرنند پس بر مؤلفین محترم که هیچ منظوری جز رضای الهی و ایفای وظیفه ندارند فرض است که همواره با مراعات استعداد مردم و مقتضیات روز دوش بدوش سیر زمان و حرکت طبیعی دنیا موضوع مؤلفات خود را دسته‌بندی کرده و هر روز اهم آنها را بنا باقتضای همانروز

نشر و اشاعه دهند

چنانکه در عصر درخشان صفوی که بحکم مطاع سلاطین علیه صفویه (انار-الله براهینهم) طریقه حقه اثناعشریه مذهب رسمی ایران شناخته و ایادی معاندین به- تیغ بیدریغ آنان قطع شد تمام فضلاء و محققین یا بحکم ایمان و اعتقاد و یا به امر آن پادشاهان نیک نهاد یکدل و یک جهت دست بنکارش تعداد غیر قابل حصری از کتب احادیث و اخبار و اثبات ولایت خاصه و امامت ائمه اثناعشر (صلوات الله علیهم اجمعین) زده و بحث در مواضع دینی دیگر را چون متفق علیها و مورد قبول عموم مسلمین بود موقوف گذاشتند و آنقدر در انجام این خدمت بذل همت کردند تا این طریقه حقه را از راه قلم و کتاب در سراسر کشور پهنوار آن روز تعمیم دادند و مردمی چنان متعصب و متصلب را بطیب خاطر و قبول عقلی از مذهبی بمذهب دیگر انتقال دادند. در حالیکه می توانستند اندیشه و قلم خود را در افاده و تألیف علوم دیگر بکار برند و کفایت این مهم را بنیروی شمشیر سلاطین واگذارند.

و همچنین بود پیروی از این سیره و سنت در تمامی ادوار تاریخی بعد از صفویه که همواره نوع تألیفات محفوظ و سنخیت مطالب آنها با افکار عمومی و مقتضیات عصری منظور نظر مولفین از علمای اعلام بود و همینست معنی وقت شناسی و استفاده از آن که متأسفانه مدتی است بالمره فراموش شده و گویی که بین طبقات مردم از عالم و جاهل و نویسنده و خواننده پرده ای ضخیم از دوگانگی و بیخبری کشیده شده است و هر کس آن می نویسد و آن می خواند که منظور نظر و مرضی خود او است و کاری به اقتضای روز و حوائج دیگران ندارد.

در حالیکه مغرضین از این تشمت و اختلاف استفاده کرده و بالقاء شبهات و تلقین مزخرفات خود و اغراء و اغواء بی خبران از حقائق دین با صرف مخارج بسیار به نشر کتب بیشمار از لاطائلات پرداختند و بخصوص جوانان ما را چندان از میبادی اسلامی و قدرت بر دفع شبهات دور و نا توان یافتند که کردند آنچه کردند و شد آنچه شد.

در چنین وضعی که اغلب مردم از یک طرف بعلت کمیابی کتب استدلالی و از طرف دیگر بد آموزی مبالغین زیرک و کهنه کار دیگران و مهمتر از همه استغراق در مادیات و انصراف از معنویات اصلاً اطلاعی از مبادی و ضروریات دین و لامحاله علم بعقل عقلائی معتقدات خود ندارند .

هیچ عالم امروزی نباید قلم بدست گرفته و در باره اموری چیز بنویسد که از حیث اهمیت در مرحله دوم و سوم قرار گرفته و یا در مرتبه تالی از مراتب مقدم و اولیات معدود بوده باشد .

امروز که هیاهوی مادیات و طبیعی گری آنقدر مردم را بخود مشغول داشته که بغایت جهل و انقطاع از حقایق و معنویات و بلکه بیخبری از مرمک محتوم رسیده اند و حجب مال و جاه همه چیز حتی صفات بشری و خصائص انسانی را از یاد ایشان برده است باید با لطف و مدارا و منطق و استدلال آنان را بحقیقت دین و باطن اسلام آگاه گردانده و از اشتباه بیرون آورد تا خود برضای خویش توجه کرده و دریابند که دین برحق اسلام حقاً و واقعاً دین فطرت و طبیعت است و همان است که احکام جزئی و کلی و اصلی و فرعی آن در هر عصر و اوان و زمان و مکانی با هر عقل سلیم و فکر مستقیم سازگاری و هم آهنگی دارد .

امروز باید مصنفین و نویسندگان ما از طبقه علماء دین همشان مصروف بر این باشد که رویه و تحقیق و تجزیه و تحلیل آن قسمت از مطالب دینی و دقائق اسلامی را مورد بحث و انتشار قرار دهند که نیمی از مردم متدین و متعصب مملکت از حقیقت آن اطلاع ندارند تا چه رسد بمستضعفین و احياناً معاندین از آنان

بدبختانه سالهاست که دو طرف افراط و تفریط نه تنها در کلیه شؤون فردی و اجتماعی ما راسخند در فشار گذاشته و روح عدالت و توسط را در هر کاری از کارهای ما از میان برده است بلکه امور دینی و اعتقادی ما نیز که باید بر پایه ای متین و محکم از دلائل عقلی و نقلی قرار گرفته باشد در حصار این افراط و تفریط محصور و مقید می باشد .

هنوز عده ای از مردم هستند که با عمل بظواهر و آموختن حکمی از احکام عبادی خود را از سایر احکام و تکالیف دینی و وظایف انسانی و وجدانی معاف و با - اعتقاد بیسپاری از خرافات و موضوعات مشاب و مأجور می‌شمارند - در حالیکه عده زیاد تری که مقابل آنان قرار گرفته اند، با بی اطلاعی محض و عدم تحقیق و پی جوئی در حقایق دین و گمان بی نیازی از مراجعه بعلماء و استفسار مجهولات خود از ایشان همینقدر که هری از برشناخته و با خواندن چند مبحث از مباحث علوم مادی و پیروی از افکار فلان بی سواد غربی خود را دانشمند صاحب نظر دانستند دیگر اعتقاد ناقص و حکومت ناقص تر خود را دلیلی واضح و حجتی قاطع شمرده و همینکه شنیده اند که خرافاتی در دین راه یافته است نزد خود چنین تصور کرده و حتی قطع نموده اند که واجبات و فرائض دین (از قبیل صوم و صلاة و حج و زکوة) نیز از خرافاتی است که بقول آنها (بدست آخوندها) حادث شده و گرنه در اسلام واقعی چنین چیزهایی وجود ندارد .

و بهمین علت امروز در این مملکت کسانی از طبقات مختلف مردم هستند که هر يك از دین بنحوی تعبیر کرده و نوعی مسلمانی مخصوص بنخود دارند که با آنچه که مقبول آن دیگری است و او هم آنرا مسلمانی می‌شمارد تفاوت یا توفیر بسیار دارد . بنا بر این واضح است که امروز کتب و رسائلی باید نوشته و منتشر شود که این افراط و تفریط و تضاد عقاید و تأویلات شخصی را از میان بردارد و مردم را در جهت واحد و جبهه متحد درصراط مستقیم دین را رهبری کند .

هر چند که هنوز این مهم کفایت نشده و آنطور که مراد و مقصود دوستان اران واقعی اسلام در تحقیق حقیق و تشریح دقیق از حقایق احکام و توضیح علل و موجبات عقلانی آنهاست این آرزو بوقوع نیپوسته است . لیکن چنان مینماید که بحمدالله به همت و پیشقدمی معدودی از اکابر افاضل که هم بفضائل ذاتی و وحدت ذکاء و رقت ذوق و قریحه آراسته و هم بدقائق علوم مکتسبیه و کثرت تحقیق در مشکلات دین و اطلاع از علل انحراف مردم از این منهج صادق آگاه و بقیام و جهاد در این راه ساعی و مجتهدند و در واقع هم

درد دین دارند و هم دوای آنرا شناخته‌اند باب مجاهده مفتوح گردیده و عنقریب است که همه مردم بکنه و واقع و مغز و مکنون دین قویم اسلام از راه مطالعه کتب و آثار قلمی آن مجاهدین آگاهی یافته و آنگاه با علمی جازم و عقیده‌ای ثابت نه تنها قادر به - ازاله شکوک و شبهات از باطن خود بلکه قادر و توانا در رد و ابطال معتقدات غلط و تشکیکات شیطانی دیگران نیز خواهند شد .

فرد اکمل و مثل اعلاى این طبقه از علماء و دانشمندان مجاهد بلکه پیشوا و - پیشقدم آن بزرگواران در این راه خطیر، قدوة اکابر علماء و زبده امانت فضا - اسوه اهل صفا و آیت فهم و دها - محقق مدقق علامه - پیشوای مجاهد فهامه - آیت الله حاج میرزا خلیل مجتهد کمره‌ای - من الله علینا بطول بقائه میباشند که حقاً و انصافاً از زمانی که قلم هدایت و ارشاد بدست گرفته و در انواع مطالب و مباحث دینی بتصنیف و تألیف کتب پرداخته اندیبی هیچ انصراف و انقطاعی بذلمت و صرف اوقات کرده و اغلب ساعات شبانروزی خود را با وجود شواغل و صوافی که ناچار ملازم با زندگانی هر کسی است در انجام این مهم و آشنا کردن مردم بفلسفه اسلام و خبایای دقائق احکام وقف نموده اند .

مرقومات ایشان که مابین تصنیف و تألیف و شرح و تعلیق قرار گرفته و حائز تعداد زیادی است دارای این خصیصه آشکار است که هم از باب انتخاب موضوع و هم از حیث روانی و سادگی انشاء و تقرب مطالب بفهم عموم مردم در حد اعلاى امکان و براستی از مفید ترین نوشته‌های دینی عصری است .

یکی از همین تصنیفات نفیس که اخیراً روشنی بخش چشم آرزومندان کتب دینی گردید کتاب پر فائده (قبله اسلام - کعبه یا مسجد الحرام) است که مانند اغلب مرقومات معظم له در یکی از مواضع بگرد دست نخورده مهم اسلامی برشته تحریر در آمده است

خواننده ابتدا بدلالات نام کتاب تصویری کند که این کتاب هم در ذکر احکام و تبیین فرائض و مناسک حج نوشته شده و مانند هزارها کتاب دیگر شامل همان اوامر و

نواهی می‌باشد .

لیکن يك نظره اجمالی بمباحث کتاب کافی است که خواننده را از این تسوهم بیرون آورده و متوجه گرداند که بخلاف آنچه که تا حال دیده و شنیده شده است کتابی است در يك موضوع بکروبی سابقه که کعبه مسلمین و قبله مومنین را از جمیع جهات و نظرهای عقلی و معنوی و نقلی و مادی مورد بررسی و تحقیق قرار داده و می‌خواهد به مردمی که تا حال بفلسفه این توجه ظاهری و باطنی آگاهی نداشته اند بفرماند که قبله یعنی چه و این کعبه امید که هر روز رو بسوی او دارید چگونه جائیست و چه سری در آن نهفته است که روی آشکار و باطن شما باید بدانسو معطوف و متوجه باشد.

در این کتاب اسرار قبله بودن کعبه معظمه اولاً و راز فرائض و احکام خاصه آن ثانیاً با ادله و براهینی محکم و درعین حال ساده و متقارب بفهم همه کس واضح و آشکار گردیده و همچنین کلیه مراتب و جنبه‌ها چه از نظر تاریخی و تحولی و چه از نظر مصادیق و مفاهیم کلی متعدد و چه از حیث توضیح و تأویل کلیه شوژن دینی عومی و تخصیصی و اجتماعی و انفرادی مورد بحث قرار گرفته و خلاصه هیچ امری از امور اصلی و تبعی و دقیقه‌ای از دقائق مربوط بکعبه معظمه و مسجد الحرام در خاطر خطور نمی‌کند مگر اینکه نسبت بهمه آنها با شرح و تفصیلی مستوفی بحث و اقامه ادله شده باشد .

در این کتاب مواضع کهن و قدیمی از عقلی و نقلی چنان با مهارت خاص و مقارنات و تقریبات نو و تازه مورد تحقیق و مذاقه قرار گرفته و مطالب مشکل و محتاج بمقدمات علمی و اصطلاحی آنقدر ساده و بی‌بیرایه نوشته شده که خواننده گمان نمی‌برد با کتابی دینی و مباحثی علمی سروکار دارد و حتی در هر فصل و بابی از کتاب احساس می‌کند که هر موضوعی از آن خود مایه نشاط و موجب تحریر در مطالعه موضوعی دیگر است .

در این اثر بکر استدالات و تعلیلات عقلی موشح بمویدات و شواهد نقلی با چنان بیانی روان و عباراتی فصیح و شور انگیز هماهنگ و متبادر بذوق و فهم هر کسی است

که حقا خواننده نه فقط با درك علل و موجبات تکلیفی مهم و علم برای بزرگ بر بسیاری از مجهولات ایمانی و عملی خود واقف و مطلع میشود بلکه شیرینی و چاشنی عبارات و شور و وجدی که از خواندن لطائف ذوقی و حالی آنها باو دست می دهد، چنان او را مسحور و معذوب می کند که گویی چشم بر صحیفه ای آسمانی و گوش به نغمه ای ملکوتی دارد.

پیدا است که این کتاب عصاره و چکیده عقل و ادراکی کامل و وافر و علم و احاطه ای شامل و متواتر و طبع و فطرتی حساس و شاعر و شور و ذوقی دائم و متلاطم است که اینقدر در دل و روح انسان اثر میگذارد و خواننده را با فهم چنان دقایق دشوار و مشکل با چنین تقریبی سهل و آسان بوجد و حالی فرحبخش و لذت آور فرور میبرد و این نیست مگر تأثیریت خالص و قصد قربت و جذب و حال نویسنده بزرگ آن که چون خود به آتش ذوق و شور و فروغ الهامات آسمانی گرم و آتشین شده اثری دیگر و جذبه ای فزون تر یافته و دیگران را هم با آتش عواطف و حرارت احساسات خویش گرم و آتشین میکند.

من باید اقرار کنم که در مطالعه ابواب و فصول این کتاب آنقدر مستغرق این شور و جذبه گردیده و چنان وجد و حالی در خود احساس می کردم که گویی با کانونی از مله مات و افاضات آسمانی سروکار دارم و بر ازوسری الهی در قالب یک غزل دقیق و شور انگیز آگاه گشته ام.

کسانی که با کتب علمی آشنائی دارند میدانند که تفهیم مباحث عقلی و نقلی و تنزل سطح عالی مشکلات آنها تا اشراف بفهم و درك عامه آنها بصورت یک کتاب بطوریکه ملالی در خواننده ایجاد نکند و شور و نشاطی هم در طول ساعات مطالعه در او تولید نماید تا چه اندازه سخت و فوق حد عادی است.

من قطع دارم که هر گاه مسلمان معتقد و مسلمان زاده ای شاک و فاسق و خصمی مبارز و معاند بدین کتاب مستطاب و انواع و نظایر آن برخورد و ولو یکبار با نظره اجمالی آنها را بخواند آن مسلمان مؤمن بحکم دلایل و حجج قاطع بفلسفه فرایض

و احکام دین مبین اسلام و بسیاری از لوازم آن آگاه و آن شاک فاسق بداروی درد و خلجان نهانی و مزیل شبهات خود واقف و آن خصم معاند با مؤمن مسلم و یاملزم و مفحم خواهد شد .

از خداوند متعال دوام عمر و توفیق و بقاء ذوق تحقیق حضرت مستطاب مولف علامه کتاب قبله را در تألیف و تعمیم این نوع کتب ممتع و نافع و روشن کردن زوایای تاریک از ساحت قلوب و افکار مسلمین و رفع و تصفیة شکوک و شبهات از حقایق اسلام خواهانم و امیدوارم همانطور که مقام ارجمند علمی و اجتهادی ایشان عموماً و موهبت ذوق و قریحه ابتکار و قوه خلق و ابداع معظم له خصوصاً ایجاب میکند کما کان گمگشتگان وادی بیخبری را بنور افکار بلند و اندیشه های بیمانند خود بسر منزل نجات راهبری فرمایند .

بمنه و کرمه . انه ولی الاجابة

کسری انوشیروان گفته است : در شهری مقام مکنید که در آن پادشاهی قاهر و قادر و حاکمی (قاضی) عادل و بارانی دائم و طیبی حاذق و آبی زوان نباشد . - و اگر همه باشد و پادشاه قاهر نباشد این چیزها همه ناچیز گشت .

یدور هذه الامور بالامير كدوران الكرة على القطب ، والقطب هو الملك .

ابوالفضل محمد بن الحسين البيهقي